

در دجله نندازید...!

مردم شناسی صدقه؛ مواجهه انتقادی با محتواپرستی

صابر اکبری خضری^۱

گاهی اوقات اسلام را به یک مجموعه اعتقادات فلسفی تقلیل می دهیم، در این نگاه «محتوا» برای ما اصالت پیدا می کند و از «فرم» غافل می شویم. محتواگرایی باعث عدم فهم اقتضائات دنیای محقق شده پیرامونی ما می شود، چنان که گفته اند: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست!» گفتار، محتوا و کردار، فرم است. محتوا در فرم تجسد و تجسم پیدا می کند، چنان که روح در جسم متجلی می شود و این دو هرگز از یک دیگر قابل تفکیک نیستند، آن چیزی که تحقق پیدا می کند، دو چیز مخلوط به هم و در نتیجه دو چیز قابل انفکاک از هم نیست، فرم نیست و محتوا نیست، بلکه یک چیز است؛ همان محتوای تجسد پیدا کرده و متجلی شده در فرم. بر خلاف فلسفه و عرفان که تحقیر کننده فرم هستند و مراقبین فرم را با اتهاماتی نظیر ظاهرگرا، قشری، سطحی و ... تحقیر می کنند، اما اسلام به فرم اصالت می بخشد و این رویکرد در «فقه اسلامی» قابل مشاهده است، چنان که احکام فقهی با «طهارت» آغاز می شود، یعنی پاکی و پاکیزگی فرم. بنابراین در اسلام همواره حسن فعلی در کنار حسن فاعلی مطرح و بر آن تأکید می شود. کار خوب انجام دادن کافی نیست و باید کار خوب را، خوب انجام داد.

صدقه و انفاق، ایده اسلام در باب رابطه خیرخواهانه مومن با مردم و دیگر مومنان است، صدقه و انفاق معنایی فراتر از کمک مالی دارد و به نوعی خدمات مدنی اجتماعی و اخلاق شهروندی را در بر می گیرد. چنان که در احادیث علاوه بر کمک مالی به نیازمندان، خندیدن به مومن، امر به معروف و نهی از منکر، نشان دادن راه به کسی که مسیری را گم کرده، برداشتن سنگ و خار از معبر عمومی، پر کردن سطل آب دیگران، عیادت مریض، پاسخ به سلام و ... از مصادیق صدقه شمرده شده است.^۲ اگر با نگرش عرفانی به صدقه و انفاق نگاه کنیم، تنها مولفه

^۱ کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات / mosafer.rezvan@gmail.com

^۲ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ صَدَقَةٌ، وَأَمْرُكَ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ، وَإِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ لَكَ صَدَقَةٌ، وَإِمَاطَتُكَ الْحَجَرَ وَالشُّوكَ وَالْعِظْمَ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ، وَإِفْرَاطُكَ مِنْ دَلْوِكَ فِي دَلْوِ أَخِيكَ صَدَقَةٌ. (کنز العمال

: ۱۶۳۰۵) ادامه در پانویس صفحه بعد...

قابل توجه، رشد معنوی و احساس آرامش حاصل از دل بردن از علاقه مندی ها است، چنان که در بسیاری از آیات و احادیث، ارزش انفاق و صدقه به محبوب بودن نزد صدقه دهنده دانسته شده است؛ «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران، ۹۲) هرگز به نیکی نمی رسید مگر از آن چه دوست دارید انفاق کنید. اما این نگاه از بُعد دیگر صدقه و انفاق که بُعد اجتماعی آن است غافل می شود؛ در واقع با اصالت بخشیدن به حسن فاعلی، حسن فعلی کنار زده شده و مورد غفلت قرار می گیرد.

چنین نگاهی ممکن است نتیجه ای عکس در عرصه اجتماع بگذارد؛ یکی از این موارد که امکان بالقوه وقوع چنین فرایندی در وجود دارد، «اردوهای جهادی» است. ممکن است گروه جهادگر با اخلاصی غیرقابل تردید به روستایی دورافتاده بروند تا در آن جا مدرسه ای بنا کنند؛ اگر هدف آن ها از این کار تأدیب نفس و ریاضت چنان که عرفا گویند، باشد، نمره شان ۲۰ است، مهم نیست این رفت و آمد آن ها، چه تأثیری بر روستا و نظم زندگی مردمش می گذارد، معماری مدرسه به چه شکل است، باعث بی عرضگی و تحقیر مردم روستا می شود یا آن ها را از درون توان مند می کند، دقیقاً چند نفر لازم است بروند، اگر کارگر بگیریم، سریع تر و با هزینه کمتر کار انجام نمی شود و ضمناً لای چرخ زندگی بناها و کارگرا هم چوب نمی رود و آیا اصلاً آن جا به مدرسه نیاز دارد یا مواردی دیگری در اولویت هستند...؟!^۳

اگر هدف ما از کمک کردن، فقط کمک کردن و تأدیب و تربیت نفس باشد، همین که کمک کنیم کافی است، همین که از چیزهایی که بیشتر و بیشتر دل بسته شان هستیم بگذریم کافی است، کار ما همین جا تمام شده و مأموریت با موفقیت به پایان رسیده است، «تو نیکی می کن و در دجله انداز!» به نظر من این نگرش نه تنها اخلاقی نیست، بلکه به غایت «خودپرستانه» است، وقتی دیگران را نادیده بگیریم، چیزی جز «من» نمی ماند. اما اگر هدف از صدقه و انفاق تقرب به پروردگار از طریق و مجرای خدمت به مردم باشد که هیچ راه دیگری هم جز این نیست، کار ما تازه از این جا شروع می شود؛ در این نگاه این مخاطب و نیاز او و زندگی و بوم و هویت و فرهنگ اوست که اصالت پیدا می کند، احتیاج او و نه اشتیاق ما.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: إِنَّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ، قِيلَ: مَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ؟ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِطِيقُكَ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ، وَ إِرْشَادُكَ الرَّجُلَ إِلَى الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ، وَ عِيَادَتُكَ الْمَرِيضَ صَدَقَةٌ، وَ أَمْرُكَ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَ نَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ، وَ رُدُّكَ السَّلَامَ صَدَقَةٌ. (بحار الأنوار: ۵۰/۷۵)

^۳ از دوستم شنیدم که می گفت ما کار می کردیم و جوانان روستا، سُر و مُر و گنده، ما را تماشا می کردند...! تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

نگرش دینی همواره به فرم یا جلوه محقق شده محتوا، شیوه جای گرفتن آن در موقعیت عینی و تأثیرات آن توجه ویژه مبذول می کند، این است که هر امر نیک به عنوان یک خیر یا صفت ممدوحه دانسته می شود، «آدابی» دارد؛ آداب همان دستورالعمل های تحقق فرم و سازوکار ارتباط آن با سایر عناصر موقعیت عینی واقع هستند. درباره صدقه به معنای عام آن که اجمالاً تشریح شد، این آداب دو بعد فردی و اجتماعی دارند، آداب فردی صدقه مواردی شمال دوری از ریاکاری، رعایت اخلاص، گذشتن از دل بستگی ها و ... را شامل می شود. در ادبیات امروزه علوم اجتماعی به آداب اجتماعی یک امر، پیوست فرهنگی اجتماعی^۴ می گویند. در واقع پیوست فرهنگی صدقه به بررسی تأثیر و تأثر صدقه با سایر ارکان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و از همه مهم تر هویتی زندگی مردم می پردازد؛ مهم ترین رکن در پیوست فرهنگی صدقه نیز، دو عنصر هویت و عدالت می باشد.

یکی از پویاها قابل تحسین که در ایام کرونا به راه افتاد، پویا همدلی برای جمع آوری کمک ها و ارزاق برای افراد نیازمند بود که به لطف الهی با استقبال خوب مردم مهربان مواجه شد، اما آن چه در این میان ضروری است توجه به پیوست فرهنگی برای معنادهی و مدیریت به صدقات مردم است و گرنه از قضا سرکنجبین صرفاً خواهد افزود! نمونه عینی و مثال کاملی برای ادعای حاضر، عکسی حقیقتاً دردناک است که چندی پیش در فضای



مجازی از کمک های مردمی به مردم سیل زده در استان سیستان و بلوچستان منتشر شد. مردمی با سابقه طولانی و عمیق فرهنگی و سبک زندگی مخصوص به خود که به شدت غنی و انسانی است و در حوزه های مختلف پوشاک، خوراک، معماری، ارتباطات و ... سازوکار و آداب مخصوص به خود را دارند که شاکله هویتی آنان را شکل می دهد، حالا یک شلوار لی و بلوز هدیه گرفته اند...

توضیح بیشتر لازم نیست...

... پایان

^۴ اگر علاقه مند به مطالعه بیشتر در حوزه پیوست فرهنگی هستید، توصیه می کنم کتاب دوست بزرگوارم، دکتر ادریس راموز با عنوان «شهر فرهنگی، فرهنگ شهری» را بخوانید.